

## پناهجویان بی پناه

امیرفیض- حقوقدان

رویداد های بسیار حزن انگیز و تاسف آور جهانی پناهجویان که حقیقتاً ننگ بشریت امروزی است خاصه اظهارات طنز آمیز یک کودک آلمانی به اینکه ما پناهندگان مسلمان سوری را میپذیریم درحالیکه کشورهای مسلمان آنان را نمی پذیرند، انگیزه تنظیم این تحریر است.

در سال ۱۳۶۲ رساله اسلام و حقوق بشر از انتشارات سنگر منتشر گردید، محتوای آن ناظر بر تعارض بین اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق اسلامی بود. در تاریخ تنظیم آن رساله هنوز اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی مصوبه سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی منتشر نشده بود و لاجرم بار آن رساله متوجه قانون اساسی جمهوری اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر میشد.

ولی اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی که بتصویب سازمان ملل متحد رسید، بشریت با دوا اعلامیه جهانی حقوق بشر روبروست.

یکی اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ صادر گردیده و همه کشورها آنرا امضا کرده اند و دیگری اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی که ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی آنرا تائید و مورد عملشان میباشند و بغیر از ترکیه و آلبانی و سورینام Suriname (بغیر از سوریه است) بقیه کشورهای مسلمان جهان از جمله جمهوری اسلامی عضویت آنرا دارند.

اشاره به مطلب بالا و توضیحاتی که پیوست آن خواهد آمد بدین منظور است تا این مشکل مورد نقد قرار گیرد که وضعیت پناهجویان مسلمان کشورها بر اساس کدام اعلامیه جهانی میتواند منطبق باشد و چرا کشورهای عرب مسلمان ثروتمند در قبول پناهجویان مسلمان کمتر دخالت دارند؛ آنهم در حدی که مورد شماتت جهانی قرار گرفته اند.

بنابراین مسیر این تحقیق متوجه دو قسمت است؛ یکی وضعیت حقوقی پناهجویان در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر، و دوم وضعیت پناهجویان مسلمان در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی.

### اول اعلامیه جهانی حقوق بشر و پناهجویان

ماده ۱۳ اعلامیه مزبور به هر شخصی حق داده است که در داخل هر کشوری آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند و نیز هر شخصی حق دارد از جمله کشور خود را ترک کند و یا بکشور خود وارد شود و ماده ۱۴ حق داده است که در مقابل آزار و شکنجه و تعقیب پناهمگاهی برای خود جستجو کند.

آیا موادمزبور در مورد کسانی که مورد تهدید و آزار قرار گرفته و یا قصد خارج شدن از کشورشان را بهر دلیلی دارند، از سوی کشورهای اروپایی و غیراروپایی رعایت میشود؟ مسلم است که خیر! و اگر رعایت میشد قاچاق انسان و غرق انسان ها در دریاها و این رذالت ها و جنایات که بشریت ناظر است بوقوع نمی

پیوست. هیچ کشوری آزادانه تن به قبول ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نداده و نمیدهد حق هم با کشورهاست نمیشود درکشورها را بازگذاشت و تحمل درهم ریختگی اقتصاد و امنیت و فرهنگ و رسم و رسوم کشور را ناظر بود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر یکطرفه است؛ یعنی فقط محرومان از حقوق بشر را حمایت میکند آنهم فقط زمانی که به آنها حق میدهد که از کشور خود بگریزند و اگر بتوانند و یا قاچاقی و جان به خطر دادن خودشان را به حمایت کشورهای دیگر برسانند.

به اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاه کنید تمام سی ماده آن با کلمه **<هرکس حق دارد>** شروع شده حتی در یک ماده آن عمل متجاوزین به حقوق انسانی قابل تعقیب شناخته نشده است و فقط به شناسایی حقوق انسان ها کفایت کرده این همانند آن است که بیش از آنکه بفکر رفع فساد از آبی فاسد باشیم سعی کنیم آب فاسد را در حوضچه های گوناگون (جا دادن پناهجویان در کشورهای مختلف) وارد کنیم. تا کی ممکن است این ظاهر سازی بتواند کارساز باشد؟ عقلانی آن است که جلوی فساد گرفته شود، عاملین جرم و نقض حقوق بشر سرعت بوسیله دادگاه های داخلی و بین المللی تعقیب و مجازات شوند چیزی که اساسا اعلامیه **جهانی حقوق بشر از تدبیر آن غافل بوده است** و همین بی تدبیری حقوق بشر سبب گستاخی دولتهای **متجاوز به حقوق بشر شده است.** آنها با تجاوز به حقوق مردم هم سلطه خود را مستحکم میکنند و هم مزاحمین و معترضین را از کشور خارج و آنها را تحمیل حقوق بشر مینمایند.

کار اعلامیه جهانی حقوق بشر و کمیسیون وابسته به سازمان ملل این است که اعلان کند که مردم این حق را دارند و یا در فلان کشور حقوق بشر رعایت نمیشود (چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است) خوب اعلام هم شد که در فلان کشور رعایت حقوق بشر نمیشود خوب نمیشود نتیجه چه؟ کدام مجازات برای خاطیان و متجاوزین به حقوق بشر وجود دارد؟ و کدام سابقه ای در جهان سیگنال خطر رابه گوش **زامداران کشورهای ناقض حقوق بشر میرساند؟**

قانون و امریه ای که ضمانت اجرا نداشته باشد قانون نیست یک پند نامه است و برای متجاوزین به حقوق بشر همان درکوزه گذاشتن است.

در مورد رفتار جمهوری اسلامی چقدر گزارش حقوق بشری درباره نقض حقوق بشر مردم منتشر شده این گزارشات چه تاثیری داشته است؟ قاتلان ۴۷۰۰ زندانی، زعمای جمهوری اسلامی محکوم شده دادگاه آلمان و اطریش و گروگان گیران کارمندان سفارت آمریکا همه سرکارند و زندان ها پر از مخالفان حکومت.

### حنایتی که مجازات نشود چه بهتر که اصلا اعلام نشود

#### عذاب مضاعف

گواهی کمیسیون های حقوق بشر سازمان ملل مبنی بر نبود آزادی و نقض حقوق بشر درکشورها بظاهر یک عمل حمایت از حقوق بشر است درحالیکه واقعبینان نشان میدهد که عذاب مضاعفی است برای کسانی که گرفتار نقض حقوق بشر درکشورها هستند.

زیرا مردم خیال میکنند حقوق بشر قدرتی است که در مقابل متجاوزین به حقوق انسانی می ایستد و ضمن دفاع از حقوق مردم متجاوزین راهم تادیب میکند. با این تصور نادرست به میدان میایند درحالیکه بدون پشت و پناه هستند و اگر بدانند که حقوق بشر سازمان ملل کاری از دستش برنمیآید، بی گذار به آب نمیزنند.

وقتی آنان ملاحظه میکنند که سازمان ملل گواهی نبود حقوق بشر را گواهی کرده ولی واکنشی نشان نمیدهد و نمیتواند هم نشان بدهد و آنها هم آلوده مخالفت با دولت متجاوز به حقوق بشر شده اند آنها ناچار میشوند که راه فرار از کشور را برگزینند یعنی رعایت ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا راه زندان حکومت را و این همان عذاب مضاعف است زیرا برای کسی که عمری در خاک کشورش زندگی کرده ناچار به ترک کشور میشود هر چند بتصور رسیدن به آزادی است ولی واقعا عذاب مضاعف است برای او، برای خانواده او و همچنین یک عذاب تازه برای کشوری است که آن شخص بنام پناهجو وارد آن کشور میشود.

### مشوق بی غیرتی و بی وطنی

مواد ۱۳ و ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر جوازی غیرتی و مشوق بی وطنی است زیرا کسی که بواسطه مخالفت با حکومت و یا کمبود های ناشی از آزادی و غیره کشورش را به اعتبار ماده ۱۳ آزادانه ترک میکند و راحتی خورا بر هموطنان گرفتار خود ترجیح میدهد چیزی جزیی غیرتی نیست؛ اگر هر کس که بتواند فرار کند در حمایت حقوق بشر باشد که نوعی کمک به گسترش ظلم و شمول آن بر کسانی است که بی دست و پا بوده و یا امکان فرار ندارند؛ ابداً رسم و رسوم زیبایی نیست.

در تطبیق مورد همانند آن است که چند حشره موذی و یا جانور به داخل خانه ای رخنه کنند و مردان خانه بگریزند و زنان و کودکان را به چنگال آن حیوانات بسپارند و حقوق بشر هم به اعتبار ماده ۱۳ آن فراریان نامرد را حمایت کند.<sup>۱</sup>

جامعه بشریت در سپر حقوق بشر برای گریز از تکالیف انسانی خود راه فرار را برستمیدگان گشوده است در حالیکه تکلیف واقعی بشریت مهار کردن ظلم و تجاوز به مظلوم است نه بی خانمان ساختن مظلوم و گرفتار ساختن او در مصائب آوارگی و احتمالاً پناهندگی.

### حل ریشه ای مسائل

مشکلات باید ریشه ای حل شود نه ظاهری؛ مثالش این است برای جلوگیری از هجوم مگس و حشرات باید توده های زباله و عفن را از میان برد نه اینکه بظاهر سازی مواد خوشبو به اطراف پراکند و حشرات را نادیده گرفت و شعارهای ضد عفونت داد.

### جنگ عامل آوارگی است نه سیاست خشونت دولتها.

<sup>۱</sup> - اینرا بایستی به اصطلاح فعالان حقوق بشری که دکاتی برای خودشان دست و پا کرده اند تا برخی کشور هارا سرکیسه کنند طوری گفت تا تفهیم آنان بشود. ح-ک

یک نگاه سطحی به علت افزایش شدید پناهندگی نشان میدهد که در هیچ کشوری نفس عمل پناهندگی خود بخود و حتی بواسطه نارضایتی های سیاسی بوجود نیاید و اگر هم بیاید در این حد رسوا کننده کنونی نبوده و نیست.

نگاه واقعی توام باین تاسف عامل اصلی درگسترش وسیع و غیرقابل قبول سیل پناهندگان فقط جنگ های تحمیلی است و عامل آنهم فقط و فقط دخالت خارجیان است که منجر به جنگ و زمینه را برای فرار مردم از کشور فراهم میسازد.

در عراق بمناسبت حمله نظامی آمریکا و پیامد های آن بنابر آخرین گزارش، مجله (ارنست) تعداد تلفات انسانی بین سالها ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱- ۱۱۶ غیرنظامی عراقی کشته و ۵ میلیون آواره و ۵۰۰ هزار نوزاد فلج و هزینه نظامی آمریکا ۲۲۸۰ میلیارد یعنی ۴۰ برابر پیش بینی مقامات نظامی قبل از حمله به عراق اعلام کرده است.

علت و العلل این ضایعات به مردم عراق چه بود جز ادعای دروغ پاول وزیر خارجه آمریکا مبنی بر آمادگی عراق برای حمله و استفاده از سلاحهای کشتار جمعی.

یادتان هست که شعار فلان رئیس کشور باید برود مدل روز شده بود در مورد لیبی عراق سودان و مصر و سوریه؛ این شعارها مرتبا بکار میرفت؛ نتیجه این خودسری ها همین میلیون ها پناهنده است که هم از کشور خودشان رانده شده اند و هم از کشورهای دیگر.

بهرحال موضوع حقوق بشر بصورت جدی مورد نظر جامعه بشریت نیست والا با احراز نقض حقوق بشر عاملین آن اگر کشورها باشند میتوانند مشمول تعلیق مدت دار عضویت در سازمان ملل و اگر باتکرار موجه شود میتواند مشمول ترتیبات ماده ۴۱ منشور گردد.

وانفاسست آنقدر جنایات اسرائیل در غزه آشکار است که مردم انگلیس با طومار ۱۰۰ هزار امضائی برای بازداشت نخست وزیر اسرائیل از او استقبال کرده اند این فاجعه گواهی این است که اعلامیه جهانی حقوق بشر فقط یک نام (فکاهی) است.

### سوریه و پناهندگان عراقی

**حاشیه:** آیا میدانستید که هنگام آوارگی مردم عراق بواسطه حمله آمریکا، سوریه اولین کشوری بود که مرزهایش را سخاوتمندانه بروی آوارگان عراقی باز کرد روزنامه انگلیسی ایندپندنت نوشت در حال حاضر ۵۰۰ هزار عراقی به سوریه پناهنده شده اند و نوشت دولت بشار اسد رئیس جمهوری سوریه تمایلی به اعلام فشار ناشی از حضور عراقی ها نداشت فارق الشرع معاون رئیس جمهوری سوریه در دمشق به خبرنگاران گفت >این واقعا فشاری به سوریه است اما دمشق به کسی شکایت نمیکند و خواهان کمکی نیست همان روزنامه اضافه کرده است که اهالی عراق هیچ شکایتی از اسکان خود در سوریه نداشتند.

( پایان )

اکنون همان مردم میهمان نواز سوریه به آلامی از پناهندگی گرفتار شده اند که مزد مردانگی شان را نسبت به آوارگان عراقی کشورهای اروپایی و مسلمانان به آنها میدهند.

سوریه ۱۸ میلیون جمعیت دارد سه میلیون آواره خارج از کشور ۷ میلیون آواره در داخل کشور ۲۶۰ هزار کشته؛ چه کسی مسئول این جنایت عظیم است جز کشورهای مداخله کننده در امور سوریه.

اگر مسئولین آمریکا بمناسبت صحنه سازی و دروغگویی به مردم جهان و خلاف اجازه شورای امنیت در حمله به عراق محکوم میشدند حتی زبانی و جهانی واقعه سوریه روی نمیداد.

آقای باراک اوباما بهنگام سناتوری از جمله مخالفین بوش بمناسبت حمله به عراق بود ولی وقتی به ریاست جمهوری رسید به جنایات بوش در عراق اعتنایی نکرد که هیچ دنباله سیاست بوش را هم ادامه داد.

**عجیب این است که آمریکا با آنکه خود عامل اصلی مسئله آوارگی مردم کشورهایست بکلی خودش را کنار کشیده است و این دیگر از آن نامردی های حقیقتا تاریخی است.**

رویترز گزارش کرده است که گزارش ۶۳۰۰ صفحه ای مجلس سنای آمریکا درباره شکنجه و نقض حقوق بشر در زندان های آمریکا و زندانهای مخفی آن کشور در کشورهای اروپایی مورد تائید آقای اوباما قرار گرفته و او گفته است با این همه من به رئیس سازمان سیا اعتماد دارم ، همین و همین این شد حقوق بشروحمایت از آن، از این تشویق و پروانه برای نقض حقوق بشر چه کسی میتواند غافل بماند؟

**گاردین نوشت که دولت انگلستان در نقض حقوق بشر با آمریکا همکاری داشته است؛ دولت لهستان ناچار شد بهر زندانی در زندان های سری آمریکا در لهستان ۲۵۰ هزار دلار بپردازد؛ اینها همه نشانی های عدم کاربرد اجرائی اعلامیه جهانی حقوق بشر است.**

## آوارگان جنگ پناهنده نیستند

مسئله مهمی که کمتر مورد نقد قرار گرفته این است که بموجب عهدنامه بین المللی ۱۹۶۷ پناهنده کسی است که در کشور خود به یکی از دلایل زیر موجب آزار و اذیت قرار گیرد- نژاد- مذهب - ملیت - متعلق به یک گروه اجتماعی معین - عقاید سیاسی.

بنابراین آوارگان سوریه و عراق ولیبی پناهنده سیاسی نیستند و زیان دیدگان از جنایات علیه بشریت به حساب میآیند و قضیه آنها نمیتواند با اسکان آنها پایان یافته تلقی شود مجازات عاملین و مرتکبین جنایات علیه بشریت امر زنده ای در حقوق بین الملل است که چشم های باز عدالت بین المللی مشتاقانه به اجرای آن چشم دوخته است.

اما اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی را که قسمت اصلی این تحریر است در تحریر اتی خواهیم خواند.